



تأثیر حس تعلق داشتن در کودکان/ نقش مذهب در دادن هویت به فرد

دستیابی بچه‌ها به شجره‌نامه خانوادگی خود به استحکام حس هویت آنها کمک می‌کند، زیرا آنها حس می‌کنند متصل به زنجیره‌ای هستند که مدت‌ها پیش از آنها بوده و شاید تا مدت‌ها پس از آنها نیز باقی بماند. به گزارش خبرگزاری مهر، هر انسانی در واقع از بدو تولد عضوی از اعضای مجموعه‌ای به هم پیوسته از گروه‌های اجتماعی است که با نسبت‌های خونی شروع می‌شود و به جامعه، ملت و بزرگترین گروه اجتماعی یعنی خانواده بشری گسترش می‌یابد.

احساس تعلق به گروهی که برایمان با ارزش است برای سلامت روان ما اهمیت بسیاری دارد. جدایی از انسان‌های دیگر و تنها ماندن بیش از حد، معمولاً با تجربه‌ای تلخ و نامطلوب همراه است. از سویی دیگر حس خوشبختی و خودآگاهی را می‌توان با تعلق به گروهی خاص یا شناخت گروه‌های خاص در خود افزایش داد. احساس بیشتر خانواده‌ها نسبت به حس تعلق و نیاز به امنیت، از زندگی خانوادگی سرچشمه می‌گیرد و وقتی عضوی از خانواده هستیم یعنی جز گروهی هستیم که اعضای آن نیازهای احساسی اولیه خود را ارضا می‌کند. تعداد افراد خانواده از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت بوده و گستره‌ای از خانواده‌های کوچک در بیشتر جوامع غربی گرفته تا خانواده‌های بسیار بزرگ در بسیاری از فرهنگ‌های دیگر را در بر می‌گیرد.

خانواده

برای بعضی از بچه‌ها خانواده یعنی فقط مادر، آن هم به عنوان یکی از والدین که با وی در شهری دور از خویشاوند دیگر زندگی می‌کنند. برای بعضی دیگر، خانواده به معنی زندگی با پدر بزرگ‌ها، عموها، عمه‌ها و دایی‌ها است که همگی با هم در یک خانه به عنوان اعضای خانواده‌ای پرجمعیت زندگی می‌کنند. مثل بستگانی که در یک شهر یا در نقاط مختلف یک کشور زندگی می‌کنند. زمینه فرهنگی یا بزرگی و کوچکی اندازه خانواده هر چه که باشد بیشتر آنها برای ارتباط با خویشاوندان خود ارزش قائلند.

منافع این ارتباط بر هر کسی که دیده است بچه‌ها چگونه هنگام جمع شدن دیگر اعضای خانواده و فامیل لذت می‌برند پوشیده نیست. علاوه بر این لذت، شرکت بچه‌ها در این گونه اجتماعات خانوادگی باعث ایجاد حس داشتن هویت در آنها می‌شود؛ هویتی که چگونگی ارتباط آنها را با مجموعه افرادی که برایشان ارزش قائلند نشان می‌دهد و گویای این نکته است که اگر چه آنها سهم کوچکی دارند، ولی بخش مهمی از زندگی همه این افراد هستند.

هویت فرهنگی

تعلق داشتن به فرهنگی ویژه با خصوصیتی منحصر به فرد که منشأ آن تاریخی خاص یا آداب و رسوم و افسانه‌هایی خاص است می‌تواند بخش مهمی از هویت یک فرد باشد. آداب و رسوم می‌تواند نشان‌دهنده ادراک و رفتار افراد بشر در مراحل مهم و بی‌شماری همچون تولد، ازدواج و مرگ باشد. یادگیری و درک فرهنگ می‌تواند اثر بسیار مثبتی بر اعتماد به نفس افراد جوان داشته باشد و باعث می‌شود که آنها حس کنند جایی را در گوشه‌ای از این دنیای پهناور دارند.

بعضی از افراد جوان، اعضای گروه‌های اقلیت فرهنگی یا قومی هستند یا خانواده‌شان از سرزمین‌های خود کوچیده‌اند و یا فرهنگ آنها از بین رفته است باید به آنان فرصت داد تا ریشه‌های خود را کشف کنند و ارزش‌ها و آداب رسوم والدین و اجدادشان را بیاموزند. هنگامی که آنها در حال رشد هستند، به فرهنگ مسلط در جامعه عادت کرده و علاقه‌ای به فراگیری میراث فرهنگی اصیل خود نشان نمی‌دهند. ولی وقتی بزرگتر شده و به سن جوانی می‌رسند به این مسئله از زاویه‌ای دیگر می‌نگرند و نسبت به آن غرور خاصی پیدا می‌کنند.

پیوستن پسران نوجوان و جوان به گروه‌های قانون‌شکن و یاغی مثال جالب توجهی از قدرت گروه و نیاز جوان یا نوجوان به تعلق داشتن است. تعلق داشتن پیش از هر عامل دیگری باعث ایجاد حس آرامش می‌شود. باند او باش برای بعضی از پسران جوان که دوران کودکی خود را در محرومیت سپری کرده‌اند، اولین تجربه آرامش بخش تعلق به یک گروه است؛ گروهی که اعضای آن او را

دوست دارند برایش ارزش قائلند و از او تقدیر می کنند.

مذهب

مذاهب روش هایی را برای درک ماهیت و هستی جهان به ما ارائه می کنند. افرادی که به مذهبی اعتقاد دارند، حس هویت و ارزشمند بودن می کنند. تمام این حس ها برای رشد جنبه های مختلف عزت نفس اهمیت دارند. اگر می خواهیم فرزندانمان عضوی از اعضای فعال مذهبی باشد که به آن اعتقاد داریم و در بزرگسالی هم به آن مذهب معتقد بماند، هرگز سعی نکنیم او را مجبور به شرکت در گروه مذهبی مورد نظر کنیم. لازم است در مورد مسئله عضویت آنها، نخست با خود آنها بحث و گفت و گو کنیم، آنها را به حضور در اماکن مذهبی تشویق کنیم. با رفتار خود مصداق خوبی از اعتقاد مذهبی باشیم و منافع تعلق به آن مذهب را در عمل به او نشان دهیم

اگر ما بزرگسالان مذهب خاصی را همه چیز زندگی خود می دانیم باید قبول کنیم که در واقع خودمان آزادانه آن را انتخاب کرده ایم. اگر بچه ها امکان شرکت در فعالیت های مذهبی را نداشته باشند همچنان که بزرگتر می شوند، یا به خودی خود از شرکت در این گونه مجامع امتناع می کنند و یا تبدیل به اعضای بی فکری می شوند که قادر به تمییز اصول نیستند و در این صورت بعید است که سودی از آن ببرند.

در نتیجه ما باید به قضاوت و بینش فرزندانمان احترام بگذاریم با آنها در مورد اعتقادات مذهبی مان به هر شکلی که هست گفت و گو کنیم و این نکته را که چرا مقید به آن هستیم برایشان توضیح بدهیم و آنها را به شرکت داوطلبانه در مراسم مذهبی دعوت کنیم.

بنابراین حس تعلق به انواع گروه ها اثراتی بسیار نیرومند و عمده بر عزت نفس افراد دارد. خانواده، مدرسه، گروه های مذهبی، ورزشی و فرهنگی همه و همه عامل بالقوه ای برای رشد بچه ها بوده و احساس هویت ارزشمندی و هدفدار بودن را در آنها ایجاد می کنند. وقایعی که در خانواده ها اتفاق می افتد تأثیری بسیار قابل توجه بر پایه و اساس و عزت نفس بچه ها دارد ولی عضویت در گروه های دیگر باعث رشد جنبه هایی دیگر مانند نگرش به خود در آنان می شود. حس تعلق به آنها کمک می کند تا مسائلی از این دست را بهتر درک کنند اینکه که هستند؟ چه کاری را به خوبی می توانند انجام دهند، جایگاهشان در دنیا چیست؟ و تشریح مساعی آنها چگونه می تواند گروه را به اهداف خود برساند؟